

جشن رونمایی شاهنامه به تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق

ابوالفضل خطیبی



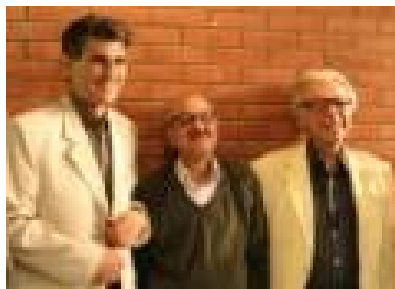
در روز نوزدهم تیرماه ۱۳۸۶ ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که ظاهراً از این پس بر آن است تا فعالیت‌های خود را زیر نام مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی ادامه دهد، جشن باشکوهی به مناسبت انتشار شاهنامه به تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق از سوی این مرکز برگزار و از این تصحیح عالی‌قدر رونمایی شد. دکتر خالقی مطلق متولد ۱۳۱۶ هجری شمسی است. او پس از اتمام دوره دبیرستان به آلمان عزیمت کرد و از دانشگاه هامبورگ در رشته شرق‌شناسی مدرک دکتری گرفت و در همین دانشگاه به تدریس پرداخت تا اینکه سال گذشته بازنشسته شد. او از سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰ تحقیقات خود را برای تصحیح انتقادی شاهنامه آغاز کرد. او از میان بیش از هزار نسخه از شاهنامه که در کتابخانه‌ها و موزه‌های کشورهای مختلف جهان نگهداری می‌شود، حدود ۵۰ نسخه را انتخاب و کپی یا میکروفیلم آن‌ها را با هزینه شخصی خود فراهم کرد. او طی ده سال تا ۱۳۵۹/۱۹۸۰ م به بررسی این نسخه‌ها پرداخت و سرانجام از میان آن‌ها ۱۶ نسخه را برای تصحیح برگزید و از ۱۳۵۹/۱۹۸۰ م کار تصحیح را آغاز کرد. نخستین دفتر از این تصحیح در ۱۳۶۶/۱۹۸۷، دومین در ۱۳۶۹/۱۹۹۰، سومین در ۱۳۷۱/۱۹۹۲، چهارمین در ۱۳۷۳/۱۹۹۴، و پنجمین دفتر در ۱۳۷۵/۱۹۹۷ از سوی بنیاد میراث ایران (برخی دفترها با همکاری انتشارات مزدا) در کالیفرنیا و نیویورک انتشار یافت. دفتر یکم و دوم این تصحیح به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۱ از سوی انتشارات روزبهان به صورت افست همراه با مجلدی با عنوان «گفتاری در شیوه تصحیح و معرفی دست‌نویس‌ها» به قلم مصحح، به ضمیمه دفتر یکم در تهران منتشر شد.

دکتر خالقی در ۱۳۷۴ به خاطر هراسی که از به پایان نرسیدن این تصحیح داشت، از دکتر محمود امیدسالار، شاهنامه‌شناسی که در کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا به کار اشتغال داشت برای تصحیح دفتر ششم یاری طلبید. دکتر امیدسالار زیر نظر خود دکتر خالقی به تصحیح این دفتر پرداخت تا اینکه این تصحیح مشترک در سال ۲۰۰۵/۱۳۸۴ در نیویورک منتشر شد. پیش از انتشار این دفتر، دکتر خالقی در ۲۰۰۲/۱۳۸۰، در نامه‌ای تصحیح دفتر هفتم را به نگارنده واگذار کرد و از همان زمان بر مبنای همان نسخه‌ها و به همان شیوه استاد، کار تصحیح را زیر نظر ایشان آغاز کردم و پس از ۶ سال کار شبانه‌روزی سال گذشته آن را به پایان بردم: یعنی پس از سال ۱۳۸۰ دکتر امیدسالار و نگارنده هم‌زمان به تصحیح دفتر ششم و هفتم می‌پرداختیم و در همان زمان خود دکتر خالقی نیز دفتر پایانی (هشتم) را تصحیح می‌کردند، تا اینکه طی یک برنامه زمان‌بندی دقیق تصحیح سه دفتر پایانی یکی پس از دیگری

به پایان رسید و هم‌زمان دفتر به دفتر زیر نظر نگارنده در تهران حروف چینی و نمونه‌خوانی نیز می‌شد. اکنون دو دفتر پایانی یعنی هفتم و هشتم در نیویورک زیر چاپ است و عن‌قریب است که دفتر هفتم به چاپ برسد و تا یکی دو ماه دیگر دفتر هشتم نیز به چاپ خواهد رسید. گذشته از تصحیح شاهنامه، دکتر خالقی یادداشت‌های خود را که شرح بیت‌های دشوار شاهنامه و تحلیل و تفسیر داستان‌ها و دلایل ترجیح ضبط‌ها و بیت‌های متن است، منتشر کرده‌است. تاکنون دو بخش از یادداشت‌های شاهنامه در سه جلد به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱/۱۳۸۰ و ۲۰۰۶/۱۳۸۵ در همان انتشارات میراث ایران به چاپ رسیده‌است. یادداشت‌های منتشرشده مشتمل است بر شرح دفترهای یکم تا پنجم. همچنین شرح دفتر هشتم نیز که بخش چهارم یادداشت‌ها است، زیر چاپ است و تنها بخش سوم یادداشت‌ها که شرح بیت‌های دفترهای ششم و هفتم را دربر دارد، باقی مانده که تا پایان سال جاری به زیر چاپ می‌رود. کل یادداشت‌های شاهنامه در ۴ بخش سال آینده از سوی کانون فردوسی وابسته به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی یک‌جا منتشر خواهد شد. اما مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی کل این تصحیح یعنی ۸ دفتر را یک‌جا منتشر کرده‌است، بدین‌سان که دفترهای یکم تا پنجم چاپ آمریکا پس از تصحیح اغلاط چاپی و اعمال برخی اصلاحات جزئی مصحح افسست شده‌اند و سه دفتر پایانی نیز از روی آخرین پرینت آن‌ها به چاپ رسیده‌اند که تا یکی دو ماه دیگر در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. دکتر خالقی بیش از ۳۵ سال، یعنی نیمی از عمر خود را با پشتکاری مثال‌زدنی در کار تصحیح شاهنامه بوده، دکتر امیدسالار بیش از ۱۰ سال برای تصحیح دفتر ششم و نگارنده ۶ سال برای تصحیح دفتر هفتم وقت گذاشته‌ایم، بنابراین، تصحیح انتقادی شاهنامه بیش از نیم قرن زمان برده‌است. علاقه‌مندان و پژوهندگان شاهنامه نیک آگاهند که تصحیح شناسنامه ملی ما تا چه اندازه حساس و ظریف و دشوار و مشقت‌بار است و دکتر خالقی بارها و بارها گفته و نوشته‌است که هدف او از این کار ادای دینی بوده‌است به فردوسی شاعر بزرگ ایرانیان و طی این سال‌های طولانی هفته‌ای هفت روز و روزی ده ساعت آدینه و عید و عزا کار می‌کرده و این کار مداوم و طولانی برای او خستگی و بیماری آورده‌است و محرومیت، درمیان خانواده زیستن و خانواده را ندیدن و بچه‌ها را ندیدن، ولی در عین حال شاهنامه نوشداروی او بود و نشئه زندگی او. برای نگارنده نیز که سهم کوچکی در این تصحیح داشته‌است، همین بس که افتخار همکاری با بزرگمرد عرصه شاهنامه‌شناسی سرمستش می‌کند. آن روز جمع کثیری از نویسندگان، شعرا و محققان و استادان طراز اول کشور از دکتر شفیع کدکنی، هوشنگ ابتهاج، دکتر علی‌نقی منزوی، دکتر بدرالزمان قریب، استاد اسماعیل سعادت گرفته تا دکتر ژاله آموزگار و دکتر علی‌اشرف صادقی، استاد ایرج افشار، دکتر مهدی محقق و علی بلوک‌باشی و کامیار عابدی حضور داشته‌اند. مراسم با سخنان علی‌دهباشی سردبیر مجله بخارا و دبیر جلسه آغاز شد. او گفت شاهنامه از ارکان استوار هویت تاریخی و فرهنگی اقوام ایرانی است و بهترین و نامورترین

ویرایش شاهنامه به دیده برجسته‌ترین محققان و شاهنامه‌شناسان، متنی است که دکتر جلال خالقی مطلق فراهم آورده‌است و پس از آن آقای محمد کاظم موسوی بجنوردی رئیس فرهیخته مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نوید داد که به زودی ۸ دفتر شاهنامه به صورتی وزین و آبرومند در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. آقای بجنوردی گفت امروز روز دکتر خالقی است و از این افراد هرچه بیشتر تجلیل کنیم خرد و توانایی خود را نشان داده‌ایم. ایشان از تأسیس کانون فردوسی به ریاست دکتر خالقی مطلق وابسته به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی خبر داد که قرار است به زودی فعالیت‌های خود را آغاز کند. پس از آن استاد ایرج افشار به ایراد سخنرانی پرداخت. افشار گفت: شاهنامه آخرش خوش بود که یک ایرانی کاردان تصحیح آن را بر اسلوب و آداب استوار پیش برد و متنی را در اختیار گذارد که برجسته‌ترین است از میان دیگر چاپ‌ها. به گفته افشار برای نزدیک‌تر شدن به متن اصلی شاهنامه دو راه وجود دارد: یکی یافتن دست‌نویس‌های کهن‌تر و معتبرتر که بیشتر کار بخت و اتفاق است تا کوشش و جستجو و دیگر تصحیح متن است به روش علمی - انتقادی و تحقیق ویژه درباره متن. پس با بهره‌گیری از نتیجه چنین بررسی‌ها می‌توان متنی تهیه کرد که اعتبار یک دست‌نویس متوسط از اواخر سده پنجم هجری را داشته‌باشد. چنین متنی حدود نود درصد با متن اصلی می‌خواند و بیش از آن نیز نمی‌توان به متن اصلی نزدیک‌تر شد.

دکتر علی‌اشرف صادقی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی دیگر سخنران این مراسم بود که درباره ویژگی‌های بی‌نظیر تصحیح دکتر خالقی در میان دیگر تصحیحات شاهنامه به تفصیل سخن گفت. او به ویژه بر این نکته تأکید کرد که در تصحیح دکتر خالقی نسخه‌بدل‌ها و



همخوانی و ناهمخوانی آن‌ها دقیقاً ضبط شده و بدین طریق محققان می‌توانند کار مصحح را داوری کنند. دکتر صادقی با ذکر شواهدی از قدمت و اعتبار نسخه فلورانس که در نیمه اول شاهنامه نسخه اساس دکتر خالقی بوده‌است، سخن گفت. همچنین با اشاره به دو مقاله نگارنده این سطور درباره نسخه‌های فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵ که اصالت اولی و ماهیت واقعی دومی را نشان داده بودم، گوشزد کرد که برخی با داوری‌های غیرعلمی کوشیدند نسخه اساس دکتر خالقی را مخدوش جلوه دهند.

سخنران پایانی این مراسم دکتر جلال خالقی مطلق بود که نخست از سرگذشت این تصحیح سخن گفت. او با اشاره به جمله‌ای از ویلی بران، صدر اعظم اسبق آلمان که گفته‌بود آن را بر مزارش بنگارند، گفت: «ما سعی خود را کرده‌ایم» و بر کار خود آن اطمینان را هم نداریم که بگوییم کار آخرین است. خالقی بر این نکته تأکید کرد که نقدهایی که بر این تصحیح نوشته می‌شوند، باید دو شرط داشته‌باشند: یکی اینکه ناقد کارشناس باشد و دیگر اینکه منصف و بی‌طرف باشد و این شرط

دوم مهم تر است. خالقی با اشاره به این نکته که همه ما مدیون فردوسی هستیم به قرائت بیتی از شاهنامه پرداخت و گفت که شایسته است همه ایرانیان و دولت مردان این بیت را قاب بگیرند و آن را به دیوار اتاق خود بیاویزند:

زن و کودک و بوم ایرانیان به اندیشه بد منه در میان

شاهنامه خوانی امیر صادقی که حاضران را به وجد آورده بود، پایان بخش این مراسم بود. پس از آن دکتر خالقی دفتر یکم شاهنامه را که نخستین کتاب از سلسله کتاب‌هایی است که قرار است از سوی کانون فردوسی وابسته به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی منتشر شود، به رسم یادبود امضا کردند.

چند نکته درباره اهمیت تصحیح دکتر خالقی مطلق:

۱- فن تصحیح انتقادی متون قدیمی یا Critical edition رهاورد مغرب‌زمین است. در گذشته امهات متون فارسی را دانشمندان غربی از جمله، نیکلسون هلموت ریتر، لسترنج، ی.ا. برتلس به همان شیوه تصحیح کردند. بعدها ایرانیان و در رأس آنان علامه محمد قزوینی با فراگرفتن این فن، دست به تصحیح متون فارسی زدند و تصحیحات معتبری از این متون منتشر کردند، تا آنجا که امروزه تصحیح متون فارسی برخلاف گذشته تقریباً در انحصار مصححان ایرانی درآمده است. از سوی دیگر در گذشته نه چندان دور پژوهش‌های جدی ایران‌شناسی تا حدی منحصر به محققان اروپایی و آمریکایی بود و ایشان نقش اصلی در پیشبرد این گونه تحقیقات داشتند. اما در چند دهه اخیر در عرصه‌های گوناگون ایران‌شناسی، تحقیقات جدی ایرانیان دانشمند را در داخل و خارج ایران به هیچ روی نمی‌توان نادیده گرفت و آثار محققان آنان به ویژه در معتبرترین نشریه‌ها و دانشنامه‌های چاپ کشور از تحولی مهم در این زمینه نشان دارد. این تحول خاصه در زمینه شاهنامه‌شناسی بارزتر و نمایان‌تر است، تا آنجا که به جرئت می‌توان گفت در سه چهار دهه اخیر شاهنامه‌شناسان ایرانی در پیشبرد شاهنامه‌شناسی، چه در زمینه تحقیقات و چه در تصحیح متن، نقش اصلی و کلیدی داشته‌اند. مثلاً در زمینه زندگانی فردوسی مهمترین و معتبرترین آثار از آن ایرانیان است: یکی کتاب فردوسی: زندگی‌نامه تحلیلی (Ferdowsi: A Critical Biography) به انگلیسی از زنده‌یاد علیرضا شاپور شهبازی که در هاروارد به چاپ رسیده و دیگری فردوسی، نوشته زنده‌یاد محمدمین ریاحی (طرح نو، ۱۳۷۸). در زمینه تحقیقات شاهنامه‌شناسی نیز وضع به همین گونه است و معتبرترین تحقیقات به قلم ایرانیان که دکتر خالقی مطلق در رأس آنها است، انتشار یافته است.

پس از انتشار دفتر یکم شاهنامه به تصحیح خالقی مطلق در آمریکا، محققان ایرانی و غیرایرانی خارج از ایران از همان آغاز متوجه اهمیت بی‌چون و چرای این تصحیح شدند. با اینکه طی سالیان

نسبتاً طولانی از ۱۳۶۶ تا امروز یعنی ۲۱ سال این تصحیح جلد به جلد منتشر شده است، مانع از آن نشد که جلدهای منتشر شده به صورت ناقص مرجع تحقیقات قرار نگیرد. برعکس طی این سالها غالب قریب به اتفاق محققان در استفاده از شاهنامه، به تصحیح دکتر خالقی استناد می کردند و می کنند و در مورد جلدهای دیگر از این تصحیح که به چاپ نرسیده بوده، از چاپهای دیگر مثل ژول مول یا مسکو بهره می برده و می برند. اما در ایران وضع به گونه ای دیگر بود. از آنجا که این تصحیح در داخل ایران کمتر در دسترس اهل تحقیق قرار می گرفت، کمتر شناخته شده بود. از سوی دیگر با انتشار نخستین دفتر از این تصحیح، نقدی سراپا مغرضانه بر آن نوشته شد و گذشته از این - چنان که دکتر صادقی در سخنرانی خود اشاره کردند - گروهی با دلایل غیرعلمی و شواهد نا کافی نسخه اساس این تصحیح را نیز مخدوش جلوه دادند. نکته جالب اینجاست که طی سالهای متمادی حتی یک نقد بر چاپهای معروف شاهنامه از جمله ژول مول و مسکو نوشته نشد، ولی از همان آغاز انتشار دفتر یکم تصحیح دکتر خالقی تا امروز نقدهای متعددی بر آن نوشته شده است. البته نگارش این نقدها به خودی خود اهمیت بی چون و چرای این تصحیح را نشان می دهد. خوشبختانه در سالهای اخیر با انتشار تحقیقات علمی درباره نسخه فلورانس چه از نظر نسخه شناسی و چه از نظر متن شناسی به ویژه در مجله نامه بهارستان، شبهه هایی که در گذشته در مورد این نسخه، به ناحق رواج یافته بود، زدوده و به نوعی از این نسخه اعاده حیثیت شده است. به هر روی، چنین می نماید که نسخه فلورانس چوب خالقی مطلق را نوش جان کرده باشد؛ بدین معنی که اگر خالقی برای نخستین بار این نسخه را اساس تصحیح خود قرار نمی داد، شاید هیچ گاه بحثی درباره مخدوش بودن تاریخ و محتوای این نسخه مطرح نمی شد. این مطالب مقدمه ای بود بر این نکته اساسی که امروزه تصحیح شاهنامه از انحصار ایران شناسان اروپایی و آمریکایی به کلی خارج شده و این تصحیح بی گمان مرجع تحقیقات ایران شناسی قرار خواهد گرفت. نکته مهم اینجاست که چنان که استاد ایرج افشار در سخنرانی خود خاطر نشان ساخت، یک ایرانی این افتخار را خلق کرد و منشأ جبهه گیری ها و دشمنی ها در برابر این تصحیح و نسخه اساس آن نیز عمدتاً همین است. شاید اگر چنین تصحیحی را یک ایران شناس فرانسوی یا روسی منتشر می کرد به این تصحیح و نسخه اساس آن چنین جفا نمی رفت.

۲- تصحیح دکتر خالقی دارای ویژگی های بارزی است که آن را از تصحیحات دیگر کاملاً متمایز

می کند، به شرح زیر:

الف) بررسی و ارزیابی حدود ۵۰ نسخه شاهنامه و انتشار نتایج این بررسی ها در مقاله های متعدد و سرانجام گزینش ۱۶ نسخه از کهن ترین و معتبرترین آن ها برای تصحیح. اهمیت این تصحیح از این نظر، آنجا مشخص می شود که محقق شاهنامه، چاپ معروف مسکو را در نظر آورد که ۴ تا ۵ نسخه را، آن هم بدون ارزیابی اولیه، مبنای تصحیح قرار داده اند. در جلد اول چاپ مسکو از ۴ نسخه مبنای

تصحیح، ۳ نسخه در کتابخانه شهر لینگراد نگهداری می‌شد. در حالی که در همان زمان نسخه‌های قدیم‌تر و معتبرتر در کتابخانه‌های مختلف جهان محفوظ بود.

ب) انتخاب کهن‌ترین و معتبرترین نسخه نویافته فلورانس مورخ ۶۱۴ هـ. ق در حکم نسخه اساس برای نخستین بار.

ج) بکارگیری اصول علمی تصحیح متن به‌ویژه اصل «ضبط دشوارتر برتر است». خالقی مطلقاً با بهره‌گیری عینی و محتاطانه از این اصل برخلاف برخی مصححان پیشین از نسخه اساس، کورکورانه پیروی نکرده است.

د) استفاده کامل از ترجمه عربی بنداری از شاهنامه (متن ترجمه از دفتر دوم به طور کامل ثبت شده است). از آنجا که نسخه در دست بنداری متعلق به قرن ششم هجری و از همه نسخه‌های موجود شاهنامه کهن‌تر بوده، در بسیاری موارد مصحح را در دست‌یابی به ضبط اصلی یاری رسانده است.

ه) پیروی از شیوه‌ای علمی و ساده در ثبت نسخه‌بدل‌ها. چنانکه خواننده با نگاهی به زیر صفحات به آسانی می‌تواند نه تنها به ناهمخوانی ضبط‌ها، که به همخوانی آن‌ها نیز پی ببرد. این شیوه دقیق ثبت نسخه‌بدل‌ها که حتی بی‌نقطگی حروف نیز ثبت شده، برای نخستین بار در این تصحیح به کار گرفته شده است.

و) اتخاذ روش تحقیقی و استفاده منطقی از منابع جنبی در تصحیح متن. مهمترین این منابع عبارتند از: آثار تاریخی فارسی و عربی که سرچشمه اخبار آن‌ها مانند شاهنامه به خدای‌نامه پهلوی می‌رسد (مانند تاریخ طبری، اخبار الطوال دینوری، نه‌ایه‌الارب و جز آن‌ها)، متون فارسی قدیمی که در آن‌ها ابیاتی از شاهنامه نقل شده است (مانند راحة الصدور، فرائد السلوک، لغت فرس و جز آن‌ها) و برخی متون پهلوی.

ز) انتشار یادداشت‌های توضیحی در دفترهای جداگانه، شامل شرح لغات و اصطلاحات و نکات دستوری بیت‌ها و به‌ویژه علت ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر و سبب الحاقی بودن یا نبودن بیت یا بیت‌هایی. و این برای نخستین بار است که خود مصحح به تفصیل بیت‌های مصحح خود را شرح کرده است.

ک) پیراستن شاهنامه از بسیاری ابیات الحاقی به‌ویژه بیت‌های سخیف زن‌ستیزانه‌ای که تاکنون سروده فردوسی محسوب می‌شده است.

با توجه به ویژگی‌های بالا هیچ محقق، ولو آنکه مخالف تصحیح دکتر خالقی باشد، بی‌نیاز از این تصحیح نیست، زیرا اگر هم ضبط متن را قبول نداشته باشد، می‌تواند به انبوه نسخه‌بدل‌ها توجه و ضبط مختار خود را گزینش کند. در اینجا شاید بد نباشد مثالی بزنیم؛ در شماره ۲۹ نامه فرهنگستان، در مقاله‌ای با عنوان «گندرو یا گندرو؟» نویسنده با تأمل در بیت زیر از چاپ ژول مول:

می نویسد: «در مصراع اول **اندرو** محرفِ کندرو/ گندرو، و شاید ضبط صحیح مصراع در نسخه‌های خطی به صورت: دگر **کندرو** دیو بُد بد گمان بوده است.» نظر نویسنده کاملاً درست است، ولی نکته مهم اینجاست که در جلد پنجم تصحیح خالقی (ص ۳۳) که در ۱۳۷۵ به چاپ رسیده، همین ضبط مختار نویسنده در چند نسخه مبنای تصحیح خالقی بوده و تصحیح او دقیقاً همان است که نویسنده ما یازده سال بعد بدان رسیده است.

مراسم رونمایی تصحیح خالقی مطلق بازتاب خوبی در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها یافت. وب‌گاه آتی‌بان سخن‌رانی‌ها را به طور کامل منتشر کرد و خبرگزاری فارس نیز گزارش مفصلی از این رویداد بزرگ فرهنگی و ادبی منتشر کرد و در روزهای بعد با برجسته‌ترین شاهنامه‌شناسان داخلی درباره این تصحیح مصاحبه‌هایی ترتیب داد که در نوع خود جالب و خواندنی بود. در اینجا نظر هر یک از شاهنامه‌شناسان داخلی و خارجی را در قالب یکی دو جمله که بعضاً از خلال نقدهای ایشان بر تصحیح خالقی گزینش شده‌اند، می‌آوریم و سپس بحث خود را پی می‌گیریم.

استاد ایرج افشار: یک ایرانی کاردان متنی را در اختیار گذارد که برجسته‌ترین است از میان دیگر چاپ‌ها و طبعی است ممتاز و عالی از شاهنامه.^۱

دکتر علی‌اشرف صادقی: تصحیح دکتر خالقی که با مقابله و سنجش قدیم‌ترین و معتبرترین نسخه‌ها فراهم شده، دقیق‌ترین تصحیح انتقادی شاهنامه است و شایسته است محققان به جای استفاده از چاپ‌های قدیمی ژول مول و مسکو از این تصحیح معتبر استفاده کنند.^۲

دکتر سعید حمیدیان: به این تصحیح و کار بزرگ نظر کاملاً مثبتی دارم و معتبرترین چاپ شاهنامه را چاپ خالقی می‌دانم. بعید می‌دانم کاری روی دست این متن بیاید. با انتشار شاهنامه خالقی مطلق بنده چاپ خودم را کنار می‌گذارم* و این تصحیح را اختیار می‌کنم.^۳

دکتر محمدامین ریاحی: بزرگترین کوشش درباره شاهنامه و یکی از ارزنده‌ترین کارهای علمی عصر ما تصحیح محققانه شاهنامه از جلال خالقی مطلق است. هیچ چاپ شاهنامه را با کار شگرف خالقی مطلق نمی‌توان سنجید و با انتشار دوره کامل آن، مراجعه به چاپ‌های دیگر روا نخواهد بود.^۴

دکتر محمد دبیرسیاقی: کار خالقی کار عظیمی است و می‌تواند برای تصحیح عالی شاهنامه به وسیله یک جمع پایه قرار گیرد.^۵

دکتر میرجلال‌الدین کزازی: ویرایش خالقی جایگاه ویژه‌ای در ویرایش‌های شاهنامه دارد. کاری که آقای خالقی مطلق کرده است، شایسته ستایش است و بی‌گمان یکی از آبخورها خواهد بود در زمینه پژوهش‌های شاهنامه‌شناختی.^۶

* منظور چاپ مسکو است که به کوشش سعید حمیدیان از سوی نشر قطره منتشر شده است.

دکتر جلیل دوستخواه: تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر برای بازشناخت سروده و نگاشته شاعر در آستانه هزاره دوم زندگی فردوسی با چاپخش ویرایش تحقیقی این متن به کوشش استاد جلال خالقی مطلق به نقطه عطفی رسید که نویدبخش دستاورد شایسته تری در دانش شاهنامه شناسی است و گامی است سزاوار در راه نزدیک تر شدن به متن بنیادی شاهنامه فردوسی.^۷

دکتر محمدجعفر یاحقی: به گمان من چاپ خالقی از شاهنامه فردوسی علاوه بر داشتن شیوه علمی و تکیه بر نسخه های معتبر کهن، عشق و اعتقاد سی و اند سائله مصحح را هم بر سر دارد. اگر چاپ خالقی یکجا منتشر می شد و به آسانی هم در ایران دست یاب می بود، من تردیدی ندارم که نه امروز بلکه از همان آغاز مطرح ترین چاپ شاهنامه می بود و قاطبه شاهنامه پژوهان و حتی شاهنامه دوستان بر هر چاپی ترجیح می دادند.^۸

دکتر احسان یارشاطر: چاپ کنونی شاهنامه فردوسی که نتیجه همت بلند و پژوهش ممتد دوست دانشمندم دکتر جلال خالقی مطلق است، چاپی است علمی و تحقیقی و متنی است استوار و نزدیک ترین متن به سخن فردوسی.^۹

زنده یاد دکتر علی رضا شاپور شهبازی: خدمت ذی قیمت استاد گرانقدر دکتر جلال خالقی مطلق در تصحیح انتقادی شاهنامه همه دوستداران فردوسی و فرهنگ ایرانی را تا ابد مدیون او ساخته است و دقت و دانش و پشتکار این مصحح فرزانه باعث شده که متن شاهنامه به صورت پاکیزه و قابل اطمینان انتشار یابد.^{۱۰}

دکتر جلال متینی: هرگاه به یکی از دفترهای شاهنامه تصحیح دکتر خالقی مطلق و یا به یکی از بخش های یادداشت های شاهنامه تألیف وی مراجعه می کنم به دقت دکتر خالقی آفرین ها می گویم که یک تنه در خارج از ایران برای نخستین بار کار تصحیح انتقادی شاهنامه را با مراجعه به دستنویس های متعدد شاهنامه و با وسواس کامل به سامان رسانیده است.^{۱۱}

پروفسور ویلیام ل. هانوی (William L. Hanaway)، استاد دانشگاه پنسیلوانیا: ما در زمانه ای زندگی می کنیم که مطالعات شاهنامه شناختی نیک شکوفا شده است و برجسته ترین نمونه این شکوفایی متن انتقادی شاهنامه است که به کوشش پروفسور جلال خالقی مطلق انتشار یافته است.^{۱۲}

پروفسور جروم و. کلینتون (Grome W. Clinton): باید سپاسگزار دکتر خالقی مطلق باشیم که تنها و بدون پشتیبانی هیچ مؤسسه ای تصحیح اعجاب انگیزی از شاهنامه، آن گونه که از قلم فردوسی تراوش کرده، در اختیار ما قرار داده است.^{۱۳}

پروفسور دیک دیویس (Dick Davis)، استاد دانشگاه اوهایو: استفاده از نسخه گرانقدر فلورانس و دقت نظر پروفسور خالقی مطلق در تصحیح متن شاهنامه، همراه با عرضه انبوه اعجاب انگیز

نسخه‌بدل‌ها، سبب شده‌است تا تصحیح او به بهترین تصحیحات موجود شاهنامه بدل شود، و به احتمال قریب به یقین تا سالیان سال نیز همین منزلت عالی را حفظ خواهد کرد.^{۱۴}

پروفسور فرانسوا دوبلوا (Francois de Blois): پژوهش علمی اساسی درباره‌ی فردوسی هنوز همان‌هاست که نولدکه و تقی‌زاده انجام داده‌اند. طرح جدید نخستین طبع انتقادی شاهنامه به معنی درست توسط جلال خالقی مطلق نوید می‌دهد که تحقیقات درباره‌ی شاهنامه را بر اساس کاملاً جدیدی قرار دهد و آنچه را تاکنون درباره‌ی شاهنامه نوشته شده است کهنه کند.^{۱۵}

اکنون می‌رسیم به نظر مخالفان. از میان شاهنامه‌شناسانی که گفتیم خبرگزاری فارس درباره‌ی تصحیح خالقی با آنان مصاحبه کرده‌بود، تنها یکی نظرات کاملاً مخالف ابراز داشته که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود و توضیحات نگارنده نیز بلافاصله می‌آید.

دکتر مهدی قریب: نسخه‌ی اساس متن شاهنامه خالقی مطلق چون براساس نسخه‌ی فلورانس است دارای دوگانگی است، طوری که نیمه‌ی اول بر پایه‌ی یک نسخه و نیمه‌ی دوم بر پایه نسخه‌ای دیگر تصحیح شده‌است.^{۱۶}

ابوالفضل خطیبی می‌گوید: پس چه باید کرد؟ اگر دست قضا نیمی از نسخه‌ی فلورانس را برای ما باقی گذاشته‌است، برای آنکه وحدت متن به هم نخورد، اصول قطعی تصحیح انتقادی را زیر پا بگذاریم و همین نیمه را هم نادیده انگاریم؟ مثلاً اگر یک آدم یک چشمش را از دست داده، ولی چشم دیگرش نه تنها سالم است، بلکه بهتر از چشم دیگران می‌بیند، به خاطر از بین بردن دوگانگی، چشم سالمش را هم کور کنیم؟ مصحح با مقابله‌ی نسخه‌ها می‌کوشد به اصل شاهنامه نزدیک شود، نه آنکه وحدت نسخه‌ای را حفظ کند. از آنجا که نسخه‌ای قدیمی نزدیک به عصر فردوسی در دست نیست، نمی‌توان به قدیمی‌ترین نسخه صددرصد اعتماد کرد و ضبط‌های آن را بی‌چون و چرا به متن برد. به نظر نگارنده حتی اگر نسخه‌ای از شاهنامه متعلق به قرن پنجم یا ششم هجری که تنها یک داستان را در بر داشته‌باشد، هنگام تصحیح آن داستان، آن نسخه باید در حکم نسخه‌ی اساس در نظر گرفته شود.

دکتر مهدی قریب: نسخه‌ی فلورانس نسخه‌ی مشکوکی است. انجامه‌ی نسخه و کتیبه‌ی نسخه دست خورده‌است. متن نسخه به لحاظ سبک‌شناسی شاهنامه و... مشکوک است. یعنی واژه‌ها و اصطلاحاتی آمده که این‌ها معمولاً در نسخه‌های قرن دهم به بعد وجود دارد.

ابوالفضل خطیبی در مقاله‌ی مفصلی به نقد نظراتی که تاکنون درباره‌ی این نسخه ابراز شده، پرداخته و جفایی که بر این نسخه رفته، شرح داده‌است («اصالت کهن‌ترین نسخه‌ی شاهنامه»، برگزیده‌ی مقاله‌های نشر دانش درباره‌ی شاهنامه، ص ۹۵-۶۹). هنگامی که قرار باشد صدای نسخه‌شناسان بزرگی چون ایرج

افشار که هیچ کس در دقت نظر و تخصص ایشان تردید ندارد و نیز آیدین آغداشلو که عمری در تحقیق و مرمت نسخه‌ها گذرانده‌است، شنیده نشود، از دست بنده سراپا تقصیر هیچ کاری بر نمی‌آید.

دکتر مهدی قریب: در پاسخ به این سؤال که تاکنون ما در تصحیح متون این میزان نسخه که قبل از شروع تصحیح تمام آن‌ها بررسی و ارزشگذاری شده‌باشند، نداشته‌ایم، گفت: منم ۱۰۰ نسخه برمی‌دارم و تصحیح می‌کنم. نسخه‌هایی که ایشان به کار برده‌اند، نصف بیشترشان غیرمعتبر است. کثرت نسخه‌هایی که ایشان از آن‌ها نام می‌برد جنبهٔ روانی دارد، این شانتاژ کردن خواننده است.

ابوالفضل خطیبی می‌گوید: در **فرهنگ سخن**، شانتاژ چنین معنی شده‌است: سعی برای شکست دادن کسی از راه تهدید، تقلب و مانند آن‌ها؛ جوسازی. تصور بفرمایید مصححی نیمی از عمر خود را صرف مقابلهٔ نسخه‌های متعدد شاهنامه کند و متن پاکیزه‌ای فراهم آورد و اختلاف‌های نسخه‌ها را دقیقاً ثبت کند، آنگاه ناقدی به جای نقد منصفانهٔ کار او، مصحح را ناجوانمردانه به شانتاژ متهم کند. متأسفانه نقد ادبی در ایران یا تعریف و تمجید بی‌جای کتاب مورد نقد است و یا تخطئهٔ کار سالیان سال نویسنده و محقق است، بدون ارائهٔ دلایل و شواهد متفق. ناقد ما خود با همکاری آقای بهبودی شاهنامه‌ای تصحیح کرده‌اند که حتی یک نسخه‌بدل ندارد (انتشارات توس). ظاهراً از نگاه ناقد ما نسخه‌بدل دادن یعنی شانتاژ و بقیهٔ ماجرا را بخوانید در سطور بعد.

دکتر مهدی قریب: هنوز هم شاهنامهٔ چاپ مسکو که الان چاپ دوم آن را در انتشارات سروش با همکاری مصححین آکادمی علوم روسیه از جمله عثمانف و آندره برتلس داریم درمی‌آوریم، بهترین چاپ شاهنامه است.

ابوالفضل خطیبی می‌گوید حالا فهمیدیم چرا آقای دکتر قریب اینگونه به تصحیح دکتر خالقی تاخته و او را به شانتاژ متهم کرده‌است. او در دوغ دیگران زهر ریخته‌است تا دوغ خودش در دهان‌ها مزه کند. دوغی که از بد حادثه قرار است بعد از انتشار تصحیح دکتر خالقی در کام‌ها ریخته شود. نکته شگفت‌انگیز اینجاست که ناقد و مصحح ما خودش شاهنامه تصحیح کرده و هم‌اکنون ناشرش آن را می‌فروشد، ولی می‌گوید شاهنامهٔ چاپ مسکو بهترین چاپ شاهنامه است!! اکنون این نظر ناقد ما را بسنجید با انصاف علمی شاهنامه‌شناس معروف کشور، دکتر سعید حمیدیان: «با انتشار شاهنامهٔ خالقی مطلق بنده چاپ خودم را کنار می‌گذارم و این تصحیح را اختیار می‌کنم». آقای دکتر قریب ۴ بار شاهنامه را تصحیح کرده‌اند به شرح زیر:

۱- شاهنامهٔ فردوسی (نسخهٔ موزهٔ بریتانیا)، به کوشش محمد روشن و مهدی قریب، نشر فاخته، با همکاری شرکت آتروپات، تهران، ۱۳۷۴. چنانکه در مقدمهٔ کتاب آمده، این چاپ عین نسخهٔ موزهٔ بریتانیا نیست، بلکه با نسخهٔ فلورانس و برخی نسخه‌های دیگر سنجدیده شده است. بنابراین اهل تحقیق با

مراجعه به این متن که نسخه بدل نیز ندارد، برخلاف آنچه در عنوان کتاب آمده، همه جا نمی‌توانند اطمینان یابند که با متن نسخه موزه بریتانیا روبه‌رویند.

۲- شاهنامه فردوسی، به کوشش مهدی قریب و علی بهبودی، توس، تهران، ۱۳۷۳-۱۳۷۵

۳- شاهنامه فردوسی، به کوشش عثمانف، آندره برتلس و دیگران، به سرویراستاری مهدی قریب، سروش، تهران (زیر چاپ).

۴- شاهنامه فردوسی، براساس ده نسخه از قدیمترین دست‌نوشته‌های شناخته‌شده شاهنامه در جهان و مقابله با متن شاهنامه‌های چاپ اول و دوم مسکو و جلال خالقی مطلق، به کوشش مهدی قریب، انتشارات دوستان، تهران، ۱۳۸۲، ۲ جلد؛ شناسه افزوده: خالقی مطلق، جلال، ۱۳۱۶، مصحح.

نگارنده این سطور چاپ آخری را ندیده و این اطلاعات را از وب‌گاه کتابخانه ملی برگرفته‌است. آقای قریب می‌فرمایند، از نسخه‌های مبنای تصحیح دکتر خالقی، «نصف بیشترشان غیرمعتبر است». از آنجا که بین چاپ خالقی و مسکو ۴ نسخه مشترک وجود دارد این بی‌اعتباری مشمول این ۴ نسخه نمی‌شود. نسخه فلورانس را نیز که آقای قریب تکلیفش را یکسره کرده‌بودند. بنابراین از نسخه‌های مبنای کار خالقی ۱۰ نسخه باقی می‌ماند که می‌شود نصف بیشتر که از نگاه آقای قریب همه آنها غیرمعتبر است. از آن جمله‌اند استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۴۱ به ترتیب به لحاظ قدمت سومین و پنجمین نسخه. بنابراین آقای قریب در تصحیحات خود (شماره ۳ و ۴) که عن قریب از چاپ خارج می‌شوند، نباید از این نسخه‌های غیرمعتبر استفاده کرده باشند؛ ولی چنانکه در شماره ۴ مذکور است باید از این نسخه‌ها استفاده کرده باشند، زیرا روی جلد تصحیح ایشان آمده‌است: بر اساس ده نسخه از قدیمترین دست‌نوشته‌های شناخته شده. ایشان غیر از نسخه‌های مبنای کار خالقی از خود تصحیح ایشان نیز استفاده کرده و این نکته را بر روی جلد کتابش هم متذکر شده‌است. داستان عجیبی است! آقای قریب در تصحیح شماره ۱ خود از نسخه به قول ایشان مشکوک و بی‌پدر و مادر فلورانس استفاده کرده‌است و در تصحیح شماره ۴ هم از نسخه‌های مبنای کار خالقی استفاده کرده و هم از تصحیح ایشان، آنگاه خالقی را به شائناژ متهم می‌کند، داستان عجیب‌تر اینکه یک مصحح چگونه می‌تواند از یک کتاب چهار تصحیح بیرون دهد. آقای قریب نه تکلیفش با خودش روشن است نه با فردوسی فلک‌زده و نه با چهار ناشرش و نه با علاقه‌مندان شاهنامه. آقای قریب اگر این نوشته را می‌خوانند، در جایی بنویسند از نگاه ایشان کدامیک از این تصحیحات چهارگانه معتبر است؟

دکتر مهدی قریب: من کار ایشان را تخطئه نمی‌کنم... ولی نمی‌دانم چه نیرویی پشت سر ایشان

هست که اینقدر او را تبلیغ می‌کنند.

ابوالفضل خطیبی نمی‌داند منظور دکتر قریب از **فیرو چیت**، ولی به نظر می‌رسد اگر خبرنگار مصاحبه خودش را ادامه می‌داد ناقد ما پرونده‌ای درست حسابی برای دکتر خالقی درست می‌کرد. جرم او همین بس که شاهنامه‌اش با اقبال عمومی به ویژه اهل فن مواجه شده‌است.

نخستین منتقد تصحیح دکتر خالقی - که در آغاز این مقاله گفتیم که نقدی سراپا مغرضانه نوشت - حدود ۲۰ سال پیش چنین پیش‌بینی کرد: «آقای دکتر خالقی مخیر و مختارند که تصحیح شاهنامه خود را با همین روش که آغاز کرده‌اند، دنبال کنند، اما بدانند متنی که عرضه کرده‌اند و خواهند کرد ارزش علمی ندارد و طبع ایشان هرگز نخواهد توانست جایی معتبر برای خود باز کند.» (علی رواقی، «باری دیگر شاهنامه‌ای دیگر»، کیهان فرهنگی، سال هفتم، فروردین‌ماه ۶۹، شماره ۳، ص ۳۶). اینک خوانندگان خود داوری می‌کنند که پیش‌بینی منتقد ما تا چه اندازه درست از آب درآمده‌است.

یادداشت‌ها:

- ۱- سخنرانی در جشن رونمایی از شاهنامه به تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق.
- ۲- یادداشت دکتر صادقی برای نگارنده.
- ۳- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۵.
- ۴- فردوسی (زندگی، اندیشه و شعر او)، طرح نو، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۶۱.
- ۵- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۳.
- ۶- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۳.
- ۷- «به سوی شاهنامه فردوسی، گام دوم (بررسی و نقد دفتر دوم شاهنامه)، به کوشش جلال خالقی مطلق»، حماسه ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، آگاه، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۰۶.
- ۸- یادداشت دکتر یاحقی برای نگارنده.
- ۹- مقدمه بر شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، انتشارات میراث ایران، نیویورک، ۱۳۶۶/۱۹۸۷.
- ۱۰- «ملاحظات درباره برخی نام‌های یاد شده در شاهنامه»، *ایران‌شناسی*، س ۱۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۱۶.
- ۱۱- نقد و بررسی *یادداشت‌های شاهنامه* (بخش دوم) به قلم جلال خالقی مطلق، *ایران‌شناسی*، س ۱۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۷۰.
- ۱۲- نقد و بررسی کتاب *یادداشت‌های شاهنامه*:
- Iranian studies, Vol. 37, No. 4, December 2004, P. 708-9.
- ۱۳- نقد و بررسی دفتر یکم شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق:
- International Journal of Middle East Studies, Vol. 21, No. 4 (Nov., 1989), P. 600.
- ۱۴- نقد و بررسی سوم شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق:
- International Journal of Middle East Studies, Vol. 27, No. 3 (Aug., 1995), P.396.
- ۱۵- "Poetry to ca. A. D. 1100", *Persian Literature: A Bio - Bibliographical Survrey* (begun by the late C. A. Storey), Vol. V, part I, London, 1992, p. 113.
- ۱۶- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۳. بقیه مطالب نیز از همین مصاحبه استخراج شده‌است.